

تاریخ نویسی فارسی در دوره قطب شاهیان

دکتر ابوالقاسم رادفر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حکومت مستقل حدود دویست ساله قطب شاهیان در جنوب هند (دکن) در نهایت شکوه و عظمت یکی از بارورترین دوره‌های رشد و اعتلای زبان و ادبیات فارسی و گسترش علم و دانش بوده است. بنیانگذار این سلسله سلطان قلی متولد همدان بود. در اثر حمایت او و جانشینانش بود که در انواع رشته‌های علمی به ویژه تاریخ آثار ارزنده‌ای پدید آمد. اکثر این تاریخ‌ها از لحاظ سبک و زبان - چه به زبان ساده و چه مصنوع - روشی عالمانه دارند، آثاری چون تاریخ قطب شاهی از مؤلفی ناشناس که درباره تاریخ ظهور سلسله قطب شاهی حاوی اطلاعات فراوان و سودمندی است یا برهان مآثر از ابن طباطبا که از جهت مطالعه تاریخ دکن اهمیت بسیار دارد یا تاریخ قطب شاهی تألیف خورشاه که بر پایه منابع بسیار مهم تاریخی نگارش یافته است یا حدیقه السلاطین نظام الدین احمد شیرازی یا حدایق السلاطین علی بن طیفور بسطامی و تاریخ فرشته و آثار دیگر که در اصل مقاله بدان پرداخته شده است.

کلید واژه: سلسله قطب شاهی، زبان و ادبیات فارسی، تاریخنگاری.

نخستین و بزرگ‌ترین حکومت مستقل در جنوب هند (دکن) حکومت بهمنیان بود. بر اساس آنچه از کتاب‌های تاریخی هند^۱ بر می‌آید علاء‌الدین حسن کانگوی (۷۴۸-۷۵۹ ه.ق) که از امیران تحت حکومت سلطان محمد تغلق شاه از پادشاهان تغلقیه هند (۷۲۰-۸۱۵ ه.ق) بود در سال ۷۴۸ ه.ق مقارن زمانی که سلطان محمد سرگرم دفع شورش گجرات بود در شهر دولت آباد دکن سر به شورش برداشت. لذا سلطان، عماد الملک سردار نامی خود را جهت دفع او بدان جا فرستاد. در نبرد بین عماد الملک و حسن کانگوی، عماد الملک شکست خورد. از آنجا که علاء‌الدین دیگر مانعی بر سر راه خود نمی‌دید فاتحانه به شهر دولت آباد وارد شد و اعلام استقلال کرد. «در روز جمعه ۲۴ ربیع الآخر سنه ۷۴۸ هجری تاج سلطانی را بر سر او نهادند.»^۲

مؤسس این سلسله چون نسب خود را به بهمن پسر اسفندیار از پادشاهان ایران می‌رساند به بهمن شاه ملقب گردید^۳ و سلسله‌ای هم که تأسیس کرد به سلسله بهمنیان مشهور شد. البته برخی مورخان در آثار خود نژاد او را از هندوان می‌نویسند. بهمنیان سلسله‌ای بودند که از سال ۷۴۸ تا ۹۳۴ ه.ق یعنی مدت ۱۸۶ سال بر دکن حکومت کردند.

بعد از فوت محمود شاه بهمنی در سال ۹۲۴ ه.ق، اقتدار و یکپارچگی سلطنت بهمنی از بین رفت و هرج و مرج همه جا را فراگرفت. ولایات بیجاپور، برار، احمدنگر و گولکنده خود مختار و آزاد شدند و حکومت بهمنی به پنج فرمانروایی مستقل تقسیم شد:

نظام شاهیان، عماد شاهیان، برید شاهیان، عادل شاهیان و مهم‌تر از همه قطب شاهیان که حدود دو‌یست سال با شکوه و عظمت در سرزمین دکن حکومت کردند. بنیانگذار دولت قطب شاهیان در هند جنوبی سلطان قلی از قبیله قراقویونلو، متولد همدان است. پدرش ادیش قلی حاکم همدان بود. به دنبال اختلاف بین دو قبیله قراقویونلو و آق قویونلو سلطان قلی به هنگام جوانی وطن را ترک می‌کند و به همراه عموی خود در عهد محمود شاه بهمنی به هند جنوبی می‌آید و به دربار راه می‌یابد. بر اثر لیاقتی که به خرج می‌دهد به زودی به ملازمت سلاطین بهمنی می‌رسد و کارش بالا می‌گیرد تا جایی که در زمره محارم محمود شاه بهمنی در می‌آید

و مأموریت‌های مهم بدو محوّل می‌گردد تا بالاخره به پاس خدمات لشکری او در میدان‌های نبرد به خطاب قطب الملکی سرافراز و چندی بعد به حکومت «گولکنده» و «ورنگل» می‌رسد و بعد از فوت محمود شاه بهمنی (۹۲۴ هـ ق) در «گولکنده» اعلان خود مختاری کرده و تا سال ۹۵۰ هـ ق در نهایت اقتدار حکومت می‌کند. پس از او شش تن دیگر به حکومت می‌رسند که آخرین آنها ابوالحسن تاناشاه بود که در ۱۰۸۳ هـ ق به سلطنت رسید و در ۱۱۱۱ هـ ق فوت کرد.^۴ البته ذکر این نکته لازم است که به نقل از *حديقة السلاطين* تألیف میرزا نظام الدین احمد الصاعدی شیرازی مرتبه علی اصغر بلگرامی انقراض سلطنت قطب شاهیه ۱۰۹۸ هـ / ۱۶۷۸ میلادی، بوده است.^۵

در دوران حکومت قطب شاهیان فلات دکن از جهات گوناگون به اوج ترقی خود نائل آمد که نظیر آن در تاریخ کمتر کشوری دیده می‌شود. هر کدام از این پادشاهان، به سهم خود ارباب فضل و هنر را از نقاط مختلف به دربار خود جلب کرده و آنان را تحت حمایت و سرپرستی خود قرار می‌دادند. بر اثر تشویق آنان بود که علم و ادب و هنر در آن عصر گسترش قابل ملاحظه‌ای یافت و زبان و ادب فارسی از رونق شایان توجهی برخوردار گشت و در انواع رشته‌های علمی به ویژه تاریخ، آثار و تألیفات بسیار پدید آمد که پرداختن به تمامی آنها حتی تنها رشته تاریخ خود نوشتن کتاب مفصلی را می‌طلبد که فعلاً جای آن نیست و انگیزه ما در نوشتن این مقاله فقط بررسی اجمالی وضعیت تاریخ نویسی فارسی این دوره است.

مورخان معاصر دوره قطب شاهیان همچون تاریخ نگاران شمال هند بیش از آنکه به فعالیت‌های اجتماعی - مذهبی توجه داشته باشند غالباً هم خود را صرف امور سیاسی دوره‌ی خود می‌کردند به همین جهت است که اکثر تألیفات موجود در ارتباط با فعالیت‌های سیاسی پادشاهان و ترسیم کننده وقایع شکست و پیروزی آنان در جنگ‌ها می‌باشد. منابع مذکور غالباً به زبان فارسی است زیرا این دوره یکی از ادوار درخشان زبان فارسی به شمار می‌آید چرا که پادشاهان و حامیان ایرانی نژاد این عصر در سرپرستی و حمایت از گویندگان و نویسندگان هیچ مضایقه‌ای نداشته‌اند. سبک نگارش و زبان ویژه تاریخ نویسی این عهد همانند شیوه سایر آثار، روشی عالمانه است زیرا مورخ از سویی به کار خود آگاه است و تمام ویژگی‌های یک تاریخ نویس حرفه‌ای را دارد و از طرف دیگر خلاقیت‌های هنری خاص خود را در نگارش تاریخ به کار می‌گیرد. به ویژه آنکه بخش‌های ابتدایی فصول کتاب‌های آنان معمولاً دارای

سبک ویژه‌ای است که ظرفیت‌ها و صلاحیت‌های نبوغی مورخ را در نظر خواننده به گونه‌ای ظریف به اثبات می‌رساند. چنین سبکی اصولاً دارای ویژگی‌های ادبی خاص و نشان دهنده توانایی خاص تاریخ نگار می‌باشد.

برخی از مورخان، فصل‌هایی از کتاب خود را از حمد و ستایش باری تعالی و یا مدح سلاطین تفکیک کرده و با آوردن جملات قرینه و سجع زینت داده‌اند، در حالی که گروهی دیگر از مورخان کوشیده‌اند که در سراسر کتاب خود سبک یک نواختی را پی گیرند. حال با بیان این مختصر به معرفی برخی از تواریخ مشهور این دوره می‌پردازیم:

نخست از تاریخ سلطان محمد قطب شاه آغاز می‌کنیم. این تاریخ به نام تاریخ قطب شاهی هم شهرت پیدا کرده و مؤلف آن ناشناس است. در این کتاب تاریخ پادشاهان سلسله قطب شاهیان از ابتدا تا پنج سال اول دوران سلطنت سلطان محمد قطب شاه (۱۰۲۵ هـ ق / ۱۶۱۶ م) مورد بررسی قرار گرفته است. کتاب شامل چهار بخش می‌باشد و هر قسمت دارای عناوینی چون، مقدمه، متن و خاتمه می‌باشد. در مقدمه کتاب از اجداد و نیاکان پادشاهان قطب شاهی سخن به میان آمده که خود به چهار بخش تقسیم می‌گردد. بخش اول مقدمه درباره دوران زندگانی و خط مشی سلطان قلی قطب شاه (۸۴۹-۹۵۰ هـ ق)، بخش دوم آن شامل زندگانی و سیاست‌های جمشید قلی قطب شاه (؟ - ۹۵۷ هـ ق)، بخش سوم مقدمه درباره حیات و خط مشی ابراهیم قطب شاه (۹۳۶-۹۸۸ هـ ق) و بالاخره آخرین قسمت مقدمه به زندگی و خطوط سیاسی و فکری سلطان محمد قلی قطب شاه (۹۷۲-۱۰۲۰ هـ ق) اختصاص یافته است. همچنین وقایع مربوط به پنج سال اول دوران سلطنت سلطان محمد قطب شاه در قسمت پایانی کتاب تشریح گردیده است.

این کتاب به عنوان اولین منبع تاریخ ظهور سلسله قطب شاهی می‌تواند برای ما سودمند واقع گردد. سبک نگارش کتاب همان طور که اشاره شد از جمله سبک‌های نادری است که طی آن نویسنده می‌کوشد تاریخ را به صورتی مختصر و مفید و در عین حال صریح و به دور از هر گونه تصنع بیان کند. نویسنده در این کتاب به شیوه‌ای استادانه مطالب خود را بر اساس تاریخ سیاسی آن زمان متمرکز کرده و وقایع را با ذکر جزئیاتش به صورت نمودارهایی تشریح و بازگو کرده است. علاوه بر آن، وی توجه خاصی به معرفی خصوصیات ظاهری حکام قطب شاهی داشته و تصاویر آنان را با رنگ‌هایی روشن و واضح ترسیم نموده است.

اگر چه تاریخ دقیقی از زمان تألیف کتاب در دست نیست ولی می توان حدس زد که کتاب مذکور احتمالاً در سده یازدهم هـ ق نوشته شده باشد. کتاب با خط عالی نستعلیق به رشته نگارش درآمده و حواشی آن به تذهیب آراسته است. علاوه بر آن مؤلف غزلیاتی از سلطان محمد قطب شاه که تخلص ظلّ الله داشته نیز آورده و در خاتمه کتاب نیز قصیده‌ای در توصیف شهر حیدرآباد آمده است.^۶

دومین کتاب مهم درباره تاریخ دکن اثر علی بن عزیز الله طباطبا به نام برهان مآثر است که شامل تاریخ دوران بهمنیان، نظام شاهیان، قطب شاهیان، عادل شاهیان و... است. این کتاب اولین کتاب وقایع نگاری هند و ایرانی در باب تاریخ قطب شاهیان به شمار می‌رود که در سرزمین دکن به رشته تحریر درآمده است. از مطالعه کتاب بر می‌آید که نویسنده در عهد محمد قلی قطب شاه از عراق به دکن مهاجرت کرده و به خدمت ابراهیم قطب شاه درآمده و تا ماه اول سلطنت محمد قلی قطب شاه هم در دربار پادشاهان قطب شاهی به سر برده است. پس از آن کار خود را رها نموده و با اجازه محمد قلی قطب شاه ملازمت شاهان احمدنگر (نظام شاهیان) را اختیار کرده است. برهان نظام شاه به او دستور داده بود که وقایع جاری را به صورت کتابی تألیف و گردآوری کند. او هم این کار را انجام داد و پس از مرگ شاه کتابش را به نام وی نامگذاری کرد.^۷

سال تألیف کتاب ۱۰۰۰ هـ ق می‌باشد. مؤلف تاریخ خود را به سه طبقه تقسیم کرده است: طبقه اول سلاطین گلبرگه که از زمان پادشاهی سلطان علاءالدین حسن شاه کانگویی بهمنی آغاز و به دوره سلطان فیروز شاه بهمنی ختم می‌شود. طبقه دوم سلاطین بیدر که از عصر سلطان احمد شاه بهمنی شروع و به زمان سلطان محمود شاه بهمنی ختم می‌شود. طبقه سوم سلاطین احمدنگر که از دوره سلطان احمد شاه بحری شروع و به حکومت چاند سلطانه ختم می‌شود.

در بخش پایانی نویسنده ۴۷۰ ورق کتاب را به پادشاهان قطب شاهی اختصاص داده و وقایع تاریخی در عهد قطب الملک، جمشید قلی، ابراهیم و محمد قلی قطب شاه را مورد بررسی قرار داده است. ناگفته نماند که تاریخ ادوار ابراهیم و محمد قلی قطب شاه در این کتاب با ذکر جزئیات آنها تشریح گردیده و لذا به نظر می‌رسد که نویسنده درباره آنها اطلاعات مفیدی داشته است.

این اثر یکی از کتابهای باارزش و نادرالوجود در هند است. نسخه‌ای خطی از آن در کتابخانه شخصی مولوی عبدالحق پدر زبان اردو موجود می‌باشد که در دو جلد و حدود ۱۵۰۰ صفحه با خط جلی نوشته شده است لیکن صفحاتی از اول و آخر آن افتاده و آب خورده است از این رو عبارات برخی صفحات قابل خواندن نیست. دو نسخه از آن هم در کتابخانه بریتانیا موجود است ولی کامل‌ترین و بهترین نسخه آن در کمبریج می‌باشد که بخش اول آن را احتمالاً خود مؤلف نوشته و بخش دیگر را پسرش ابوطالب در سال ۱۰۳۸ هـ ق کامل کرده است.

با اینکه مؤلف برهان مآثر هم عصر مؤلف تاریخ فرشته بوده است ولی او بر خلاف محمد قاسم فرشته تاریخ خود را اختصاص به تاریخ سلاطین دکن داده است. از این نظر کتاب نامبرده برای اهالی دکن اهمیت خاصی دارد. بدین جهت است که سر اکبر حیدری (سر اکبر حیدرنواز جنگ) صدرنشین ارکان مجلس مخطوطات فارسی موجب گردید تا این تاریخ نادر چاپ شود. بالاخره این کتاب کمیاب و مهم تاریخ دوره میانه دکن در ظرف ۲۰ سال و با تلاش اکبر حیدری تقدیم ارباب ذوق و محققان تاریخ قرار گرفت. البته ناگفته نماند که مؤلف کتاب به جهت پای بندی به انشاپردازی صحت تاریخی را در همه جا رعایت نکرده و میزان تحقیق او نسبت به مؤلف تاریخ فرشته کمتر است و در تصحیح کتاب به برخی از این اختلاف روایات در ذیل و حواشی اشاره شده است. البته در کار تصحیح برهان مآثر، ترجمه انگلیسی آن به قلم سرولزلی هیگ کمک بسیار کرد. کتاب هم به صورت بخش بخش چاپ شد. کتاب با نثر نه چندان ساده نوشته شده است. قرینه و سجع در کتاب فراوان دیده می‌شود. آیات و احادیث و اشعار هم ضمن نثر آمده است. القاب و عناوین پادشاهان گاهی بسیار طولانی و چند سطری است. لغات و ترکیبات و عبارات عربی هم در آن فراوان است. خلاصه اینکه تمام ویژگی‌های نثر فنی در کتاب مشاهده می‌شود و فهم مطالب در خیلی جاها به سادگی برای همگان امکان ندارد. سنگینی الفاظ عروس معنی را در خود پوشانده و با اینکه این کتاب از مآخذ عمده تاریخ دکن و سلاطین مسلمان آن سرزمین است نمی‌تواند همگان را در بهره‌گیری از کتاب به سبب وفور لغات عربی و سجع و اطناب‌های فراوان یاری دهد و برای خواننده امروزی نثرش چندان مقبول نیست با اینکه از نظر اطلاعات تاریخی و سندیت اعتبار زیادی دارد. البته اشعاری که ضمن نثر جهت تکمیل معنا و ذکر واقعات به کار رفته نسبت به

مطالب نثری بسیار ساده است.

توضیح اینکه در کتاب اطلاعاتی درباره خواجه محمود گاوآن و قتل او و همچنین پیرامون شاه طاهر دکنی و اشاعه مذهب تشیع توسط او در زمان برهان نظام شاه (ص ۲۵۸-۲۶۸ ه ق) مطالبی آمده است.^۸

سومین اثر مهم در تاریخ دوران قطب شاهیان کتاب تاریخ قطب شاهی تألیف خورشاه بن قباد الحسینی (متوفی ۹۷۲ ه ق / ۱۵۶۵ م) است که نسخه آن به شماره ۷۱ در کتابخانه سالار جنگ موجود است. کتاب شامل ۶۱۰ ورق ۲۷ سطری به اندازه ۲۳×۱۳/۱ سانتی متر و عناوین قرمز است که توسط نظام ابن عبدالله شیرازی در دهه سوم شوال سال ۱۰۳۸ ه ق / ۱۶۲۸ جهت کتابخانه سلطنتی عبدالله قطب شاه تحریر شده است.

مؤلف در برگ ۳ (الف) انگیزه تألیف کتاب را چنین می نویسد:

«... اکثری طبایع خلایق به دانستن علم تواریخ و اطلاع بر اخبار و آثار سلف مایل و راغب و لهذا در خاطر محرّر این اخبار و مسود این آثار خورشاه بن قباد الحسینی که خوشه چین خرمن افاضل ایام و ریزه خوار خوان احسان آن زمره عظام لازم الاحترام است خطور کرد که تاریخی از بدو آفرینش تا این زمان که این مختصر اختتام یافته در سلک انتظام کشد و از تکلف و تصلف و اطاله و اطناب احتراز نماید...»

مؤلف در تدوین این تاریخ مهم و نادر در جهان از منابع زیر سود جسته است:

تاریخ طبری، جامع الحکایات، جامع التواریخ، مجمع الروایات، مختصر نصاری، قصص الانبیاء، عیون التواریخ، روضة الشهداء (که مشعر و مخبرست بر اخبار انبیاء کبار و آثار سلاطین ذوی الاقتدار فواید بسیار روی نموده...) تاریخ گزیده، کتاب المعجم فی اخبار ملوک العجم و همچنین از تفسیر شهابی، کاشفی، ثعلبی نیز بعضی از بدایع وقایع انبیا را تحقیق کرده و همچنین از ظفرنامه، روضة الصفا، حبیب السیر، لب التواریخ و واقعات شیخ حکایاتی در حیز بیان آورده است.

کتاب در گولکنده پایتخت قطب شاهیان به ابراهیم قطب شاه (۹۵۷ - ۹۸۹ ه ق) تقدیم شده است. همچنین باید یاد آور شد که این اثر بر پایه روایات شیعه تألیف شده است و این حکایات و روایات جمع شده در این مختصر مشتمل بر مقدمه و هفت مقاله و یک خاتمه است. مؤلف در نگارش اثر خود از شعر بسیار در ضمن نثر استفاده کرده و از لغات و عبارات و

جمله بندی به شیوه زبان عربی و همچنین از سجع و قرینه بهره برده است. نظر بر اینکه عمده مآخذ کار او آثار مختلف مصنوع و کمتر متن ساده بوده، نثر او نسبتاً پخته است و مانند نثر برخی تواریخ، ساده صرف و فنی دشوار نمی باشد بلکه یک حالت بینابین دارد.^۹ چهارمین اثر مهم از تواریخ این دوره تاریخ ظفره تألیف گردهاری لال احقر است که در سال ۱۱۸۵ هـ ق به اتمام رسیده و از لفظ «ظفره» همین سال ۱۱۸۵ هـ ق بر می آید. نسخه خطی آن به شماره ۳۲۶ فن تاریخ در کتابخانه سالار جنگ موجود است که اساس آن بر دو باب مشتمل است:

باب اول متضمن احوال سلاطین قطب شاهیه و بنای گولکنده و حیدرآباد است که با ذکر جلوس سلطان قلی قطب شاه و ذکر سلسله نسب او شروع می شود و باب دوم مشعر بر ذکر پادشاهان جغتایه و کیفیت رئیسان حیدرآباد می باشد.

این کتاب علاوه بر موارد ذکر شده، در برگیرنده تاریخ امپراطوران مغول از اورنگ زیب تا شاه عالم دوم و همچنین تاریخ دوران حکومت آصفجاهیان در حیدرآباد را نیز می باشد. با اینکه کتاب حجم کمی دارد و شامل ۷۹ ورق ۱۷ سطری به اندازه ۲۳/۸x۱۳/۱ سانتیمتر می باشد ولی دارای اطلاعات باارزشی است زیرا نویسنده در آن علاوه بر تشریح وقایع سیاسی به توصیف بناها و یادگارهای مختلف تاریخی بنیاد نهاده شده توسط سلاطین گولکنده و پادشاهان سلسله نظام در حیدرآباد نیز همت گمارده است.^{۱۰} با ارزش ترین اطلاعات موجود در کتاب مربوط به شرح وضعیت درآمدها و هزینه های دولتی در دوران سلطنت سلطان ابوالحسن قطب شاه می باشد. درآمدهای حاصله در آن عهد، شامل درآمد دوایر و بخش های مختلف دولتی و هدایای راجه های هندو می باشد که آن مخارج توسط سران بخش ها و دوایر حکومتی تأمین اعتبار می گردیده است.^{۱۱}

دیگر از مآخذ مهم تاریخی این دوران کتاب *حدیقه السلاطین* است که توسط میرزا نظام الدین احمد فرزند عبدالله صاعدی شیرازی به رشته نگارش در آمده است. البته در نوشته های معاصر مطلبی در خصوص زندگانی وی نیامده است، اما با مطالعه این کتاب در خواهیم یافت که او در زمان سلطنت عبدالله قطب شاه در گولکنده حضور داشته و وابسته به

خاندان علامه ابن خاتون* (پیشوای سلطنت فوت ۱۰۵۹ هـ ق) بوده است. در کتاب *حدیقة السلاطین*، جزئیات مربوط به دوران سلطنت عبدالله قطب شاه تا پایان سال ۱۰۳۵ هـ ق / ۱۶۲۵-۱۶۲۶ م تشریح گردیده است.

این مجموعه شامل یک دیباچه و یک مقدمه به قلم نویسنده می‌باشد. مؤلف در مقدمه کتاب توضیح داده که آن را به درخواست علامه ابن خاتون نوشته است.^{۱۲} همچنین اهمیت فوق العاده *حدیقة السلاطین* از آن جهت است که نویسنده خود از شاهدان عینی وقایع بوده است.

نویسنده با در نظر گرفتن وقایع تاریخی به شیوه‌ای ساده و منظم حوادث را ترتیب تاریخی سال به سال تا پایان نوزدهمین سال اقتدار حکومت عبدالله قطب شاه ثبت کرده است. کتاب با مقدمه کوتاهی آغاز می‌شود و جریانات اساسی وقایع با ذکر جزئیات آنها در بخش‌های کوچک تری تحت عنوان «ذکر» تشریح می‌گردد. البته در بخش «ذکر» نیز در آنجا که نیاز به توضیح بیشتری بوده، بعضی از وقایع با جزئیات بیش تری تحت عناوین «بیان» تشریح گردیده است.

نویسنده در این کتاب ادعا نموده که وقایع ثبت شده معتبر و مستند می‌باشد و در پی آن، دیگر سوابق موجود و متناقض با آنها را باطل اعلام می‌نماید. این کتاب منبع فوق العاده ارزشمندی به شمار می‌آید زیرا مؤلف علاوه بر حوادث سیاسی، وقایع مذهبی و اجتماعی را نیز مورد بررسی و جستجو قرار داده است. مراسم مذهبی همچون محرم و میلاد النبی (ص) را با ذکر جزئیات دقیق شرح داده است. حتی فصلی را تحت عنوان: «ذکر ماتم و تعزیه داشتن شهادت حضرت سیدالشهدا علیه التحیه و الثنا» جداگانه در خصوص محرم آورده است که تنها منبع اطلاعاتی در این زمینه محسوب می‌شود.

بنابراین کتاب مورد نظر به عنوان مهمترین مرجع برای مطالعه وضعیت اجتماعی - مذهبی مردم در زمان سلاطین قطب شاهی محسوب می‌گردد.^{۱۳}

اثر دیگر کتاب *حدایق السلاطین فی کلام الخواقین تألیف علی بن طیفور بن محمد البسطامی* است که در دوران سلطنت عبدالله قطب شاه همراه با پدرش ملا طیفور

*- راحت عزمی. ۱۹۹۲ م. علامه ابن خاتون (حیدرآباد، باب العلم سوسائتی) به زبان اردو. ن+۱۶۳ ص.

بسطامی و دو برادرش به نام‌های زین العابدین و ابراهیم از ایران به گولکنده پایتخت قطب شاهیان آمده بودند. وی در حدود ۱۰۳۰ هـ ق در بسطام دیده به جهان گشود و علوم متداوله را نزد پدر که اهل علم بود فراگرفت و سپس از محضر استادانی چون شیخ رضی الدین حسینی تفرشی و علامه ابن خاتون کسب فیض کرد. از او آثار مهمی به جا مانده که گنج نامه در حل لغات شاهنامه و حدایق السلاطین از مشهورترین آنها می باشد. حدایق السلاطین آخرین تألیف اوست. ۱۴

این کتاب در سال ۱۰۹۲ هـ ق / ۱۶۸۱ م تألیف شده است. این اثر از نظر محتوا می تواند به عنوان دایرةالمعارفی متشکل از تاریخ و شرح حال افراد مورد استفاده قرار گیرد. کتاب شامل یک مقدمه و سه «حدیقه» یا «فصل» است. هر حدیقه نیز به بخش‌های کوچک تری به نام «طبقات» تقسیم شده و سرانجام با یک باب خاتمه می یابد. حدیقه اول در ارتباط با فرمانروایان دوره اسلامی تا سال سی ام هـ ق / ۶۵۱ م می باشد. حدیقه دوم در خصوص تنی چند از سلاطین مسلمان در داخل و خارج از هند است که البته شامل بعضی از سلسله‌های پادشاهی دکن مانند بهمنیان، عادل شاهیان و قطب شاهیان نیز می شود.

حدیقه سوم در خصوص وزرای برجسته و مهم سلسله‌هایی است که در حدیقه دوم توصیف شده‌اند.

البته نویسنده در این کتاب از کلیه حکام سلسله پادشاهان قطب شاهی سخن نگفته، بلکه از میان آنها به چند تن از فرمانروایان این سلسله، از جمله جمشید قطب شاه، محمد قطب شاه و محمد قلی قطب شاه بسنده کرده و به تشریح وقایع و اوضاع و احوال آنان به صورتی کوتاه و سطحی پرداخته است. نویسنده در پایان زندگینامه سلاطین نامبرده، گزیده‌ای از اشعار آنان را نیز ذکر نموده است.

یکی از ویژگی‌های مهم این کتاب که بسیار بارز و آشکار می باشد این است که مؤلف در اثر خود اسنادی واقعی و رسمی را ارائه کرده که صحت این مطلب از مقایسه محتوای این اسناد با دیگر مآخذ به دست می آید. ۱۵

پروفسور شریف النساء انصاری رئیس اسبق بخش فارسی دانشگاه عثمانیه حیدرآباد بخش‌هایی از کتاب تیموریه گورکانیه هند، صفویه، بهمنیه و قطب شاهیه و غیره را به جهت

اهمیت تاریخی که داشته بر اساس همان نسخه منحصر به فرد کتابخانه سالار جنگ انتخاب کرده و به چاپ رسانده است. البته در این انتخاب مؤلف بیش تر به مبادی تاریخ، اخلاق و ادبیات توجه داشته و ضمن آوردن شرح حال نویسندگان و شاعران و فرمانروایان، در تبیین محیط فرهنگی و اجتماعی و رویدادهای تاریخی آن دوره کوشیده است... منابع مورد استفاده علی بن طیفور در تألیف کتاب خود آثاری چون: *حبيب السیر، تاریخ المعجم فی ملوک المعجم، عالم آرای عباسی، تاریخ بهمنیه، تاریخ قطب شاهیه، لب التواریخ، دستورالوزراء، تحفه سامی، تذکره هفت اقلیم، تذکره دولتشاهی* بوده است.^{۱۶}

تاریخ فرشته یا گلشن ابراهیمی تألیف محمد قاسم هندوشاه (متولد ۹۶۰ هـ ق در استرآباد) است. او پس از رشد، در اوایل جوانی، به همراه پدر رهسپار هند شد. و در احمدنگر پایتخت مرتضی نظام شاه (۹۷۲-۹۹۶ هـ ق) مستقر گردید و به مقاماتی هم دست یافت با این حال در سال ۹۹۸ هـ ق از احمدنگر خارج شد و در بیجاپور به دربار عادل شاهیان رفت و از سوی ابراهیم ثانی عادل شاه (۹۸۷-۱۰۳۵ هـ ق) مأمور تألیف تاریخی درباره هند شد. کتاب با استفاده کتاب های متعددی که پیش از وی تألیف شده بود در سال ۱۰۱۵ هـ ق به پایان رسید. فرشته آن را به نام سلطان ابراهیم مذکور گلشن ابراهیمی نامید.

گلشن ابراهیمی یا تاریخ فرشته در ردیف اولین کتاب هایی است که به تاریخ عمومی هند ارتباط دارد. این اثر مأخذ تمام مؤلفاتی بوده که بعد از فرشته خواسته اند تاریخ هند را نوسرنامه هم معروف است.^{۱۷}

این کتاب شامل مقدمه و دوازده مقاله و خاتمه است. مقاله سوم در ذکر شاهان دکن در شش روضه (بهمنیان، عادل شاهیان، نظام شاهیان، قطب شاهیان، عماد شاهیان و برید شاهیان) است. بخش مربوط به شاهان قطب شاهی که در جلد دوم، بخش چهارم کتاب آمده به بیان صادق نقوی استاد تاریخ دانشگاه عثمانیه «مملو از اشتباهات فراوان می باشد زیرا نویسنده شخصاً اعتراف کرده است که برای تألیف کتابش، هیچ منبعی را در اختیار نداشته و حتی در تنها کتاب موجود آن زمان یعنی وقایع قطب شاهیه تألیف خورشاه که به آن مراجعه کرده به منبع قابل استفاده ای بر نخورده است.»^{۱۸}

مآثر قطب شاهی اثر استادانه تاریخی محمد بن عبدالله نیشابوری از دیگر آثار مهم تاریخی این دوره است که در باب زندگانی و شرح حال سلطان محمد قطب شاه به رشته

تحریر در آمده است. نویسنده آن در عصر سلطنت محمد قلی قطب شاه به گولکنده مهاجرت کرده، در دربار پادشاهان قطب شاهی انجام وظیفه می کرده است. نویسنده کتاب خود را بر اساس اسناد موجود آن عصر به ویژه ایران عصر صفوی و حاکمان آن تنظیم کرده است. این اثر شامل سه جلد است که هر جلد آن خود به چهار مقاله تقسیم شده است. با اینکه سبک نگارش آن تصنعی و پر آب و تاب و مبتنی بر زیاده گویی و اطناب است اما با این وجود وقایع تاریخی در آن با دقت و احتیاط فراوان ثبت شده، از این رو کتاب معتبری است و می توان به مطالب آن اعتماد کرد.^{۱۹}

محمد قادرخان منشی (بیدری) یکی از مورخان مشهور دکن در دوره آصفجاهی است که تصانیف چندی درباره تاریخ دارد که مشهورترین آنها تواریخ قطب شاهیه است که وی بر اساس تفحص و تلاش سی ساله خود در تاریخ های دکن این کتاب را در سال ۱۲۳۱ هـ ق تصنیف کرده است. کتاب شامل دو بخش می باشد: قسم اول ذکر راجگان است که ملک دکن در قبضه اشان بوده و قسم دوم اختصاص به احوال سلاطین اسلامی دارد که حاکم دکن بوده اند از ابتدای سال ۷۰۲ هـ ق تا ذکر انتزاع سلطنت از ابوالحسن تاناشاه در ۱۰۹۸ هـ ق. تنها نسخه خطی این کتاب در کتابخانه اداره تحقیق و علوم شرقی (آصفیه) محفوظ است. این کتاب توسط دکتر زیب حیدر از زبان فارسی به زبان انگلیسی همراه با توضیح واژه های محلی در پایان کتاب ترجمه شده است.^{۲۰}

قادرخان چندین کتاب تاریخی دیگر دارد مانند: تاریخ قطب شاهی یا تواریخ قادریه که تاریخ کوتاه حیدرآباد دکن است، از آخرین پادشاه دودمان قطب شاهی (۱۰۸۳-۱۰۹۸ هـ ق) تا روزگار سکندرجاه آصفجاه سوم (۱۲۱۸ هـ ق/۳-۱۸۰۴ م). دیگر تزک بهارستان است که قادرخان آن را در تاریخ حیدرآباد دکن نوشته که از آغاز دوره نظام شاهیان آغاز می شود و تا سال ۱۲۳۹ هـ ق سال نگارش کتاب ادامه پیدا می کند. او کتاب خود را به نام مهاراجه چند و لعل شادان نخست وزیر دولت آصفجاهیان کرده است. کتاب در پنج فصل تدوین شده است. این کتاب به اهتمام سید برهان الدین احمد (حیدرآباد، مطبع برهانیه، ۱۳۰۶ هـ) چاپ شده است. کتاب دیگر قادرخان وقایع قادرخان است که تاریخ شبه قاره دکن تا سال ۱۱۲۲ هـ ق است. این کتاب در دو مقالت و هر مقاله در چند باب می باشد. سال تألیف کتاب ۱۲۲۰ هـ/۱۸۰۵ م است. تاریخ فرخنده یا تواریخ فرخنده اثر دیگر قادرخان در حالات صوبه

فرخنده بنیاد حیدرآباد دکن است که در ۱۲۴۰ هـ ق تألیف شده است. مؤلف در این اثر تاریخ عمومی حیدرآباد دکن و ساختمان‌های آن و رویدادهای شاهان قطب شاهی را تا روزگار ابوالحسن تاناشاه و نادرشاه افشار آورده و بعد از آن مختصر حالات نظام الملک آصفجاه تا مسندنشینى نواب ناصرالدوله بهادر را بیان کرده است. نسخه خطی آن به شماره ۲۴۶ در موضوع تاریخ در کتابخانه آصفیه موجود است.^{۲۱}

کتاب دیگر گلزار آصفیه یا تاریخ قطب شاهی تألیف خان زمان دهلوی است. اگرچه بیش‌تر مطالب کتاب در ارتباط با سلاطین آصفیه، نخبگان، نوابان، صوفیان و نیز مراسم رایج عصر تألیف کتاب می‌باشد با این حال اطلاعات مهمی درباره پادشاهان قطب شاهی به دست می‌دهد. کتاب مذکور در سال ۱۸۹۰ م توسط مکتبه محمدیه حیدرآباد انتشار یافته است. در این کتاب اطلاعات خوبی درباره مراسم مذهبی همچون محرم و عاشورخانه‌ها آمده است.^{۲۲} چندین تاریخ دیگر به نام تاریخ قطب شاهی وجود دارد که فهرست وار بدان‌ها اشاره می‌شود. یکی کتابی است که به شماره ۳۷۴ فن تاریخ در کتابخانه آصفیه حیدرآباد موجود است. مؤلف آن مشخص نیست. کتاب شامل یک مقدمه و چهار مقاله است.

مقاله اول تاریخ سلطان قلی قطب الملک

مقاله دوم تاریخ جمشید قطب شاه و پسرش سبحان قلی

مقاله سوم تاریخ ابوالمنصور ابراهیم قطب شاه

مقاله چهارم تاریخ ابوالمظفر سلطان محمد قلی قطب شاه

خاتمه تاریخ سلطان محمد قطب شاه (متوفی ۱۰۳۵ هـ ق) که در زمان تألیف کتاب حکمران بود از سنه جلوس ۱۷ ذیقعدۀ سنه ۱۰۲۰ تا ۱۰۲۵ هـ ق در آخر کتاب بعضی کلام منظوم محمد قطب شاه هم به طور نمونه آمده است. آخر کتاب چند ورق افتادگی دارد.^{۲۳} تاریخ قطب شاهی دیگر که نویسنده آن گمنام است و در دوران سلطنت محمد قلی قطب شاه تألیف گردیده اوضاع سلطنت سلاطین اولیه قطب شاهیان را در ۱۱۰ ورق ۲۱ سطری به نظم در آورده است. در این اثر وقایع خاصی چون واقعه قتل قطب الملک با جزئیات آن تشریح گردیده است. این نسخه ناقص الآخر در باب موضوعات مختلف به ویژه در خصوص رفتن جمشید بر سرگور پدرش جهت نمایش و آمرزش گناهان خود دارای چنان اطلاعات مفیدی است که در کمتر کتابی یافت می‌شود. نسخه مذکور به شیوه‌ای زیبا با خط نستعلیق

تحریر شده و علی رغم ناقص بودنش اثر باارزشی به شمار می آید.^{۲۴} سه اثر دیگر تحت عنوان تاریخ قطب شاهی و یک اثر دیگر زیر عنوان خلاصه تاریخ قطب شاهی در مآخذ آمده یکی تاریخ قطب شاهیان یا احوال سلاطین قطب شاهیه از مؤلفی ناشناخته است که مجملی از احوال سلاطین قطب شاهیه را شامل می شود. کتاب دیگر هم که نویسنده آن گمنام است در برگزیده وصف ساختمان های حیدرآباد دکن و گولکنده است و بالاخره تاریخ قطب شاهی یا تاریخ مختصر قطب شاهی از مؤلفی ناشناخته در تاریخ وصف ساختمان های دکن و گولکنده به روزگار قطب شاهیان است.^{۲۵} خلاصه تاریخ قطب شاهی از مؤلفی ناشناس در ۱۶ برگ ۱۲ سطری است که بیانگر احوال تاریخی سلاطین قطب شاهی در گولکنده می باشد. نسخه منحصر به فرد آن به شماره ۲۳۱ فن تاریخ در کتابخانه سالار جنگ حیدرآباد موجود است.^{۲۶}

مآخذ تاریخی دیگر این دوره روایح گلشن قطب شاهی از یک مؤلف ناشناس شیعی می باشد. نام کتاب همان تاریخ نگارش کتاب نیز می باشد. موضوع آن رویدادهای روزگار عبدالله قطب شاه حکمران گولکنده دکن است که در هفت «رایحه» در ۱۰۵۲ هـ / ۱۶۴۲ م نوشته شده است.^{۲۷}

اثر دیگر تحفه مختاریه از تفضل حسین است. تاریخی است درباره سلاطین قطب شاهی که در گولکنده بنا به تقاضای مختار الملک سرسالار جنگ (متوفی ۱۳۰۰ هـ ق / ۱۸۸۳ م) در ۲۹ برگ ۱۱ سطری به خط نستعلیق معمولی نوشته شده است. دو نسخه از آن به شماره های ۱۳۹ و ۱۴۰ در فن تاریخ در کتابخانه سالار جنگ حیدرآباد موجود است.^{۲۸}

البته کتاب های دیگری چون چارگلشن (چترگلشن) یا اخبار النوادر تألیف رای چترمن سکسینه کایسته و خزانه رسول خانی تصنیف فیض حق چشتی و حدیقه العالم تألیف میر عالم بهادر (چاپ حیدرآباد، ۱۳۰۹ هـ ق در دو جلد) و منابع دیگر وجود دارد که بخش هایی از آنها در ارتباط با تاریخ دوران قطب شاهی است.^{۲۹}

البته سخن درباره منابع تاریخ نویسی فارسی در جنوب هند به ویژه دوره قطب شاهی بسیار است که اگر خدا خواهد در مقالاتی دیگر بدان پرداخته خواهد شد. فعلاً به همین مقدار بسنده می شود.

پی‌نوشتها

- ۱- علی بن عزیز الله طباطبا، برهان المآثر، دهلی، جامعه دهلی، ۱۳۵۵ هـ.ق، ص ۴۱۱ محمد قاسم فرشته، تاریخ فرشته، ج ۱، کانپور، نولکشور، ۱۳۰۱ هـ.ق، صص ۱۴۳ و ۲۷۷.
- ۲- تامس ویلم بیل، مفتاح التواریخ، نولکشور ۱۲۸۵ ق. ص ۱۲۸.
- ۳- تاریخ فرشته، ج ۱، ص ۲۸۱.
- ۴- رضیه اکبرحسن، نظم و نثر فارسی در زمان قطب شاهی، حیدرآباد دکن، سیما پابلیشرز ایندبک، ۱۹۸۲، صص ۹-۱۱ و ۴۷.
- ۵- همان کتاب، ص ۳.
- 6- Muhammad Ashraf. *A Catalogue of Persian manuscripts*. Salar Jung Museum and Library. 1965. Vol. 1. PP. 412-414.
- 7- Sadiq Naqvi. *Muslim Religious Institutions and Their role Under the Qutb Shahs*. Hyderabad. Bab-ul-ilm Society. 1993. pp 3-4.
- ۸- برهان المآثر، ص ح و خلاصه از جای‌های مختلف کتاب.
- ۹- خورشاه بن قباد الحسینی، تاریخ قطب شاهی، نسخه خطی شماره ۷۱ فن تاریخ در کتابخانه سالار جنگ، حیدرآباد دکن.
- ۱۰- گردهاری لال احقر، تاریخ ظفره، نسخه خطی شماره ۳۲۶ فن تاریخ، کتابخانه سالار جنگ، حیدرآباد دکن.
- 11- Sadiq Naqvi. pp 7-8.
- ۱۲- میرزا نظام‌الدین احمد صاعدی شیرازی، حدیقة السلاطین، به تصحیح و تحشیه سید علی اصغر بلگرامی، حیدرآباد. سالار جنگ لائبرری (بر اساس نسخه خطی شماره ۳۶۹ فن تاریخ، کتابخانه سالار جنگ) ۱۹۶۱، ص ۴؛ شریف النساء انصاری «حدیقة السلاطین مین حقیقت نگاری و فطرت کی عکاسی» مجله سبرس، جنوری - فروری ۱۹۶۲ (به زبان اردو) صص ۴۰-۴۱.
- 13- Sadiq Naqvi 1993: pp 5-6.
- ۱۴- علی بن طیفور البسطامی، حدایق السلاطین فی کلام الخواقین، تصحیح شریف النساء انصاری، دهلی، صص دوازده - چهارده.

15- Sadiq Naqvi 1993: pp 6-7.

۱۶- علی بن طیفور البسطامی، ص سی و نه.

۱۷- ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ب ۳، فردوس و ندا، تهران، صص ۱۷۱۱-۱۷۰۹.

18- Sadiq Naqvi 1993: pp 4-5.

19- Ibid, p 7.

۲۰- محی الدین قادری زور، داستان ادب حیدرآباد (به زبان اردو)، حیدرآباد، اداره ادبیات اردو، صص

۱۷۱-۱۷۰؛ فهرست مشروح بعض کتب نفیسه قلمیه مخزونه کتابخانه آصفیه سرکار عالی،

حیدرآباد دکن، دارالطبع سرکار عالی، ۱۳۷۵ هـ.ق، ج ۱، صص ۱۸۰-۱۷۸.

۲۱- احمد منزوی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۱، اسلام آباد، مرکز تحقیقات

فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۷، صص ۵۵۸-۵۵۶.

۲۲- همان کتاب، صص ۵۸۳-۵۸۲.

- Sadiq Naqvi, p 9.

۲۳- فهرست مشروح...، ج ۱، صص ۱۸۱-۱۸۲.

24- Sadiq Naqvi, p 8.

۲۵- احمد منزوی، صص ۴۱ و ۶۱۴-۶۱۳.

26- Muhammad Ashraf, p 416.

۲۷- احمد منزوی، ص ۴۳۸.

28- Muhammad Ashraf, pp. 378-380.

۲۹- احمد منزوی، صص ۵۳۶-۵۳۵؛ فهرست مشروح...، ج ۱، ص ۲۰۰؛

Muhammad Ashraf, pp 416-418